

## واکاوی حد قتل در زنا به نسب نامشروع

شهرداد دارابی\*، سید محمدجعفر رضوی اصل\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۲)

### چکیده

مجازات قتل در خصوص تمام اقسام زنا قابلیت اجرا ندارد، و تنها در خصوص محارم نسبی می‌توان مجازات آن را قتل تعیین نمود. محارم به عقیده مشهور فقها فقط شامل محارم نسبی بوده، و محارم رضاعی و سببی را شامل نمی‌شود. بحثی که مطرح می‌شود آن است که آیا همان احکامی که در خصوص افراد با نسب نامشروع قابلیت اجرا دارند درباره افراد دارای نسب نامشروع هم حکم‌فرما می‌باشند یا خیر؟ این سوال، در امکان یا عدم امکان اجرای مجازات‌ها برای این گونه افراد ظهور می‌کند که از جمله آن موارد مجازات حد قتل در زنا با محارم نسبی است که نسبت میان آنها از راه نامشروع بوده. نبودن نص شرعی شفاف و روشن و اجمال قوانین موضوعه سبب تکثر نظرات و بلا تکلیفی در این حوزه شده است. در این نوشتار برای یافتن پاسخ سعی بر آن شده، به بررسی دیدگاه‌های مختلف و ادله استنادی هر دیدگاه پرداخته شود. در آخر می‌توان برای یافتن راهی معقول این نظر را ارائه نمود که با توجه به ادله استنادی مخالف مجازات حدی در این زمینه، مناسب‌ترین راهکار که با هدف جامعه امروزی و شریعت اسلامی سازگاری بیشتری داشته باشد، عدم اجرای مجازات قتل در خصوص زنا با محارم به نسب نامشروع است.

### کلیدواژگان

اجرای حد قتل، زنا با محارم، محارم نسبی، نسب نامشروع.

---

\* استادیار، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

\*\* نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: Abbasrazavi47@gmail.com

## مقدمه

از جمله اعمالی که از دیر باز مورد کراهت و نکوهش احاد جامعه قرار داشته، زنا می‌باشد. بدین سبب، زنا در جوامع مختلف از زمان‌های قدیم دارای عقوبت و مجازات بوده است. بدترین نوع این عمل شنیع، زنا با اشخاصی است که از جهت خون دارای قرابت هستند، که از آن به زنا با محارم تعبیر می‌شود. ادیان الهی نیز که از سرچشمه وحی نشأت می‌گیرند، این عمل را ممنوع ساخته‌اند و برای آن سخت‌ترین کیفرها را مقرر نموده‌اند. اما جواب به این سوال که چه کسانی جزء محارم قرار می‌گیرند، در ادیان آسمانی، مختلف است. در یهودیت، ازدواج با پدر، مادر، جد، جده، خواهر، برادر، فرزندان و نوادگان ممنوع می‌باشد. بنابراین در دین یهود، دیگر افراد در حوزه محارم قرار نمی‌گیرند و ازدواج با آن‌ها مجاز شمرده می‌شود؛ در نتیجه در حوزه محارم وارد نمی‌شوند. دین مسیحیت دایره محارم را گسترش داده و افزون بر محارم ذکر شده در دین یهود، افراد دیگری را در زمره محارم دانسته است که شامل فرزندان عمو، عمه، دایی و خاله نیز می‌شوند (مقصودی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹). در دین مبین اسلام که حفظ طهارت نسب از اهمیت خاصی برخوردار است، ارتکاب انحرافات جنسی با محارم به دلیل آثار مخرب‌تری که بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌گذارند، با شدت بیشتری مورد نهی قرار گرفته‌اند. در همین راستا در آیات قرآن کریم و روایات واصله از ائمه معصومین (ع) چنین اعمالی به نحوه مؤکد مورد نهی قرار گرفته و برای آن مجازاتی شدیدتر نسبت به سایر جرایم منافی عفت وضع شده است. خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۲۳ سوره نساء<sup>۱</sup> موارد حرمت ازدواج برای مسلمانان را برشمرده که در صورت نزدیکی با این اشخاص، عمل زنا با محارم محقق خواهد شد، و مجازات آن، بنا بر فتوای فقهای امامیه، حد قتل می‌باشد. در ایران نیز قانون به دلیل تلاش برای تطبیق حداکثری قوانین موضوعه با فقه

۱. «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخُوتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبِّبَاتِكُمُ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ مِمَّنْ نَسَأْتِكُمْ الَّتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَائِئِكُمْ الَّذِيْنَ مِنْ أَسْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا»

شیعه، در بخش حدود قانون مجازات اسلامی در ادوار مختلف، مجازات این گونه اشخاص را مرگ تعیین نموده است. برای ورود به بحث باید بیان داشت که تحقق زنا با محارم، نیازمند حصول چند شرط است. علاوه بر ضرورت وجود شرایط عامه تکلیف، شامل بلوغ، عقل و اختیار، و همچنین موارد رافع مسؤولیت کیفری مانند شبهه؛ موارد دیگری نیز وجود دارند که عدم احراز آنها موجب تغییر در عنوان مجرمانه عمل شده و حتی مرتکب زنا را واجد عنوان کیفری دیگری غیر از زنا با محارم می‌نماید. نتیجه عملی این سخن در آن است که گاه تغییر عنوان مجرمانه زنا منجر می‌شود که مجازات آن به مراتب خفیف‌تر گردد و یا بالعکس سبب تشدید کیفر زنا شود. بنابراین لازم می‌آید به تشریح مواردی که موجب چنین تغییراتی می‌شوند پرداخته شود. یکی از این مسائل، در رابطه با نسب موجود میان زانی و زانیه می‌باشد که موجب بروز اختلافاتی میان فقها شده است. مشهور فقها زنا با محارم را فقط شامل محارم نسبی می‌دانند و تنها استثناء آن را زن پدر دانسته و محارم رضاعی را از شمول این حکم خارج نموده‌اند و همین نظر، دیدگاهی است که مورد پذیرش قانون‌گذار نیز قرار گرفته است.<sup>۱</sup> از دیگر مسائل مهم برای تحقق جرم زنا با محارم که موضوع این تحقیق می‌باشد، نوع رابطه نسبیت زانی و زانیه است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا نسب ضرورتاً باید از راه صحیح و مشروع حاصل شده باشد و یا آن که نسب نامشروع نیز موجب تحقق جرم زنا با محارم خواهد شد؟ برای یافتن پاسخ ابتدا باید منظور از زنا و اقسام آن را تعیین نمود تا محوریت موضوع بحث مشخص شود.

## زنا در لغت و اصطلاح

زنا<sup>۲</sup> در لغت به معنای فسق، بی‌عفتی، بغی و فجور آمده و در اصطلاح به جماع و آمیزش نامشروع مرد و زن گفته می‌شود. محقق حلی (ره) در تعریف زنا چنین می‌گوید:

۱. ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی: "حد زنا در موارد زیر اعدام است: الف - ... ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است."

«زنا آن است که انسان آلت تناسلی خود را در آلت تناسلی زنی داخل کند بدون این که آن زن در عقد و تملک مرد باشد و یا این عمل از روی شبهه صورت گیرد و تحقق زنا بدین صورت است که حشفه در قبل یا دبر زن مخفی شود.» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۰)

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲۲۱ به تعریف زنا اختصاص یافته است. تبصره یک این ماده میزان دخولی را که برای تحقق عنوان جماع لازم است بیان می‌دارد و آن را دخول آلت مرد به اندازه ختنه‌گاه (حشفه) در قُبُل یا دُبُر زن می‌داند. تبصره دو ماده مذکور نیز به بحث مربوط به بالغ نبودن یکی از طرفین می‌پردازد که در این صورت، هر چند زنا محقق می‌شود، لکن فرد نابالغ مجازات نشده و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول قانون مذکور محکوم می‌گردد. تعریف بیان شده برای زنا در قانون مجازات اسلامی برگرفته از تعاریف فقهی بوده و با تعاریفی که در قوانین قبلی بیان شده بود تفاوتی ندارد، مگر در این مطلب که قانون جدید علاوه بر تعریف زنا، جماع را نیز تعریف کرده و امکان زنا نابالغ را نیز مورد بررسی قرار داده است و علت آن جلوگیری از وقوع تعارض آراء میان محاکم می‌باشد، زیرا فقها در زمینه زناى شخص نابالغ اختلاف نظر دارند و در صورت وقوع اختلاف میان قضات دادگاه‌ها، رجوع به منابع فقهی نیز موجب تشتت بیشتر آراء می‌گردد. در نتیجه قانون‌گذار، خود اقدام به تبیین کامل مسئله، با توجه به نظر مشهور فقهی نموده است تا جلوی ایجاد آراء متضاد را بگیرد.

### اقسام زنا

یک نوعی از تقسیم‌بندی، که در مورد انواع و اقسام زنا شده است، بر اساس مجازات‌های تعیین شده برای هر کدام از آن‌ها می‌باشد، به دیگر سخن تقسیم‌بندی‌ها بر اساس مجازات‌های شرعی زنا است (عوده، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۰۵) که مستند به آیات قرآن کریم و روایات منقول از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) می‌باشند. بر این اساس، سه قسم برای زنا می‌توان بیان داشت.

## زنای ساده<sup>۱</sup> و زنای محصنه (زنای موجب رجم)<sup>۲</sup>

استفاده از واژه ساده برای این نوع از زنا در کلام حقوقدانان به چشم می خورد (زراعت، ۱۳۹۴، ص ۲۵۴) و از اقسام وضع تعیینی است. منظور از زنای ساده آن است که برای تحقق آن شرط خاصی وجود ندارد. تعریف زنای ساده را می توان در ماده ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی جستجو کرد که بیان داشته، در مواردی که مرتکب غیر محصن باشد، حد او صد ضربه شلاق است. تعریف مذکور دارای اطلاق است و شامل تمامی اقسام زنا، از جمله زنا با محارم و زنا با اجبار و عنف نیز می شود که مجازات آن ها چیز دیگری است. این اطلاق با مواد دیگری که قبل از ماده مذکور آمده اند، تخصیص خورده است و مجازات هر کدام از افعال ذکر شده را جداگانه تعیین شده است.

در تعریف زنای ساده می توان به روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده استناد نمود که می فرمایند:

«مرد و زن آزاد هرگاه مرتکب زنا شوند، هر کدام صد ضربه شلاق می خورند و اگر محصن یا محصنه باشند، سنگسار می شوند» (حرعاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۸، ص ۳۸۵). بنابراین بهتر است چنین گفته شود که وقتی عمل ارتكابی مشمول هیچ یک از اقسام دیگر زنا نباشد، زنای ساده خواهد بود. اما منظور از زنای محصنه، عملی است که مجازات آن سنگسار کردن می باشد. در این خصوص ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است.» احصان در لغت به معنای منع و بازداشتن است و در اصطلاح، احصان به معنای آن است که مرد دارای همسر دائمی و بالغی باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده است، از طریق قُبُل با وی در حال بلوغ مجامعت نموده و هر وقت بنخواهد نیز امکان جماع با وی را داشته باشد. برای زن نیز شرایط به همین صورت است، با این تفاوت که شرط نزدیکی با وی در حال بلوغ نیاز نیست. در این مورد در کلام فقها چنین آمده است که شرط احصان که به خاطر آن

1. Adultery Simple
2. Stoning in result of Adultery

می‌توان مرد زانی را سنگسار کرد، تنها در صورتی محقق می‌شود که وی بالغ و آزاد باشد و همسری داشته باشد که به عقد دائم و یا به حکم کنیزی تحت ملکیت او باشد، به گونه‌ای که بتواند از فرج با وی نزدیکی کرده و هر وقت که بخواهد نیز به او دسترسی داشته باشد (نجفی، ۱۳۷۶، ج ۴۱، ص ۲۶۹). احراز احصان مرتکب زنا، شرط اساسی اجرای حکم سنگسار است. مواردی وجود دارند که سبب خروج فرد از احصان می‌گردند، مانند مسافرت، حبس و... که این موارد غیرحصری هستند. به دیگر سخن هر عاملی که سبب جدای زن و شوهر از یکدیگر بشود، سبب غیرمحصره شدن زنا برای اطراف آن می‌گردد. موضوع مهم‌تر، اثبات احصان است. از طرفی به صرف وجود شبهه باید حکم به عدم احصان داد<sup>۱</sup>؛ و از طرف دیگر چون احصان امریست حدوثی، بنابراین مدعی وجود احصان باید ارائه دلیل نماید. در این صورت اثبات آن با شاکای یا دادستان است. در این زمینه، اوضاع و احوال موجود نقش تعیین کننده‌ای دارند. به عنوان نمونه اگر مرد متأهلی صرفاً ادعا نماید که شرایط احصان را ندارد، چون ادعای وی خلاف اوضاع و احوال مسلم قضیه است بدین معنا که در میان عرف جامعه افراد متأهل با یکدیگر زندگی می‌کنند، نیاز به اثبات شرایطی دارد که موجب خروج وی از احصان را اثبات نماید.

### زنای موجب اعدام<sup>۲</sup>

یکی دیگر از اقسام زنا، عملی است که مجازات آن قتل تعیین شده. ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی در چهار بند، مجازات زنا را اعدام دانسته است. در قانون سابق، ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، به جای «اعدام»<sup>۳</sup> از واژه «قتل»<sup>۴</sup> استفاده نموده بود. علت به کار بردن این واژه در قانون مجازات سابق، بحث‌های فقهی مرتبط با آن است. فقها مجازات این نوع از زنا را قتل با شمشیر می‌دانند و روایاتی نیز وجود دارند که صرف ضربه با شمشیر را ملاک قرار داده‌اند

۱. رجوع شود به: رای شماره ۱۰/۲۱/۱۳۷۱-۱۰۴۴، شعبه ۱۱ دادگاه عمومی کیفری تهران

2. Execution in result of Adultry  
3. Hanging  
4. Murder

بدون آنکه نتیجه که همان مرگ شخص است را ملاک قرار دهند. (حرعاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۸، ص ۳۸۵) قانونگذار در قانون مجازات جدید از واژه «اعدام» استفاده کرده است و منظور از آن، قتل به شیوه متداول است<sup>۱</sup>. شاید بتوان علت این تغییر را فشار نهادهای حامی حقوق بشر دانست که مجازات قتل با شمشیر را برخلاف اصول حقوق بشر می‌دانند که البته هدف اصلی از این ادعاها، تأمین مقاصد سیاسی می‌باشد. مواردی که موجب اعدام مرتکب زنا خواهند شد عبارتند از: الف) زنا با محارم؛ ب) زنا با زن پدر؛ پ) زنا با مرد کافر با زن مسلمان ت) زنا با اکراه و عنف. در ادامه به بررسی موارد «الف» و «ب» که از مصادیق زنا با محارم هستند پرداخته می‌شود.

### زنا با محارم<sup>۲</sup> در فقه و حقوق

زنا با محارم در صورتی موجب اعدام می‌شود که با محارم نسبی انجام شده باشد، در این خصوص تفاوتی میان زن و مرد نیست<sup>۳</sup> مگر در بلوغ که میان مجازات زن و مرد تفاوت ایجاد می‌کند. در مرد، شرط بلوغ در طرف دیگر زنا شرط نیست، به این معنا که اگر مردی با دختری نابالغ زنا کند، حد کامل به او زده می‌شود. اما در خصوص زن، بلوغ طرف مقابل نیز شرط است. زنا با محارم نسبی خود، در صورت نابالغ بودن زانی، مجازات زن را فقط به صد ضربه شلاق تغییر می‌دهد<sup>۴</sup>. بنابراین نسب مشروع یا نامشروع دیگر در این موضوع مطرح نیست چرا که حتی اگر نسب مشروع هم میان زن و زانی نابالغ باشد مجازات زن شلاق است.

قید محارم نسبی در ماده ۲۲۴ ق.م.ا همان طور که بیان شده، موجب می‌شود که محارم سببی از موضوع این بند خارج شده و تنها استثناء در میان محارم سببی، زنا با زن پدر است که موضوع بند «ب» این ماده می‌باشد و سایر محارم سببی مانند مادر زن و یا خواهر زن از شمول این حکم

۱. رجوع شود به: رای شماره ۱۳۷۴/۱/۲۱-۴۰، شعبه ۱۶ دادگاه عمومی کیفری تهران

2. Incest

۳. نظریه مشورتی شماره ۱۳۷۲/۹/۲۹-۷/۶۹۶۰، اداره حقوقی قوه قضاییه

۴. ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

خارج‌اند. دلیل این مطلب آن است که آن چه از لفظ محارم به ذهن یک فرد متبادر<sup>۱</sup> می‌شود، محارم نسبی است و منظور از محارم نسبی نیز آن دسته از خویشاوندانی است که بین آن‌ها رابطه خوونی وجود داشته باشد و شرعاً ازدواج با آن‌ها ممنوع باشد. این رابطه نسبی زمانی محقق می‌شود که در زمان انعقاد نطفه، رابطه زوجیت شرعی یا همان عقد شرعی میان زن و مرد برقرار شده باشد. ضمن آن که با ذکر قید «نسبی» محارم رضاعی نیز از شمول بند «الف» ماده مذکور خارج می‌شوند. در متون فقهی، مشهور فقها نیز محارم رضاعی را مشمول این حکم نمی‌دانند و تنها شیخ طوسی (ره)، بر خلاف قول مشهور، نظر به الحاق محارم رضاعی به نسبی در این حکم نموده است. (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۶۳). بنابراین می‌توان بیان داشت که در حدّ زنا، قتل فقط در مورد کسانی اجرا می‌گردد که با محارم نسبی خویش مانند مادر و دختر و امثال آن زنا کرده باشد.

حرمت نکاح میان افراد در متون قانونی، در ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی بیان شده است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد». این ماده به این مطلب اشاره دارد که میان طفل ناشی از زنا و والدین طبیعی او نوعی حرمت ایجاد می‌شود، هر چند آن طفل ملحق به زانی و زانیه نمی‌گردد و این بدین معنی است که زانی و زانیه، در عرف پدر و مادر طفل تلقی شده و کلیه تکالیف والدینی، بر عهده آن‌ها نیز می‌باشد، اما ازدواج میان والدین طبیعی و طفل ناشی از زنا ممنوع شده و همچنین موضوع ارث بین آن‌ها و طفل نیز منتفی می‌گردد.<sup>۲</sup> سؤالی که در این جا مطرح می‌شود آن است که منظور از تکالیف، آیا فقط امور مدنی است یا در احکام کیفری نیز همه احکام والدینی جاری می‌شوند؟

### حدّ زنا با محارم به نسب نامشروع

احکام اسلام در حدود جنبه تعبدی داشته و میزان آن‌ها بر خلاف مجازات‌های تعزیری، از سوی

۱. «التبأذر هو انسياق المعنى من اللفظ الى الذهن»، و منظور از آن این است که در برخورد الفاظ و کلمات اولین معنای که به

ذهن شنونده خطور میکند دلالت بر حقیقت دارد و حجت است. (محقق داماد، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۳)

۲. رجوع شود به: (نظریه مشورتی ۷۳/۶۷-۳۱۳۸۴۷ اداره حقوقی قوه قضاییه)

شارع تعیین شده است و قانونگذاران نمی‌توانند برخلاف آن چیزی را وضع نمایند. یکی از علت‌های این که قانونگذار نمی‌تواند احکام حدود را تغییر دهد، موضوع عدم علم قطعی به فلسفه احکام می‌باشد و در واقع این احکام به اصطلاح اصولیون منصوص العله<sup>۱</sup> نیستند. البته در منابع اسلامی علت‌ها عقلی و حکمت‌هایی شرعی برای این گونه احکام بیان شده تا عامه جامعه با فهم بیشتری احکام الهی را اجرا نمایند، که در فقه از آن به عنوان مقاصد شریعت معروف یاد می‌شود. منظور از مقاصد شریعت، اهداف خداوند از تشریح مقررات اعتباری و عملی می‌باشند. در مورد فلسفه تشریح حد زنا آمده است که هدف از تشریح آن حفظ نسب است. شهید اول (ره) تشریح احکام دین را برای حفظ مقاصد پنج‌گانه بدین صورت بیان داشته است: «حفظ نفس با تشریح قصاص، دیه یا دفاع است؛ حفظ دین با جهاد و قتل مرتد است؛ حفظ نسب با تحریم زنا، مقاربت با مردان، مقاربت با چارپایان، تحریم قذف، نسبت زنا به دیگران و حد بر آن است؛ حفظ مال با تحریم غصب، سرقت، خیانت، راهزنی و حد و تعزیر بر آن‌ها می‌باشد.» (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۳۸) بنابراین بر اساس کلام شهید اول برای حفظ نسب نیاز است که رابطه جنسی زن و مرد، در خارج از نکاح، با مجازات همراه باشد تا نسب افراد از این طریق محفوظ بماند.

باید بیان داشت که زنا با محارم از جمله اعمالی است که به طور جد موجب برهم خوردن نسب می‌شود. آثار تخریبی این فعل به طور گسترده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی افراد، اثر می‌گذارد و جوامع بشری را به سمت زوال پیش خواهند برد. از این جهت است که شارع مقدس مجازات چنین اشخاصی را مرگ تعیین نموده زیرا چنین اشخاصی دیگر صلاحیت زندگی در میان افراد جامعه را نخواهند داشت.

با شناخت دیدگاه شریعت از تحریم زنا<sup>۲</sup>، باید دید که رویکرد برخورد با زنا با محارم به نسب

۱. اگر در حکمی علت آن ذکر شده باشد و حکم مزبور را در مواردی که علت موجود است جاری سازیم به این قیاس منصوص العله گویند که در میان اصولیین حجت است.

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: (عوده، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۰ به بعد)

نامشروع، چگونه خواهد بود. در این زمینه دو دیدگاه می‌توان مطرح داشت: یک دیدگاه مخالف اجرای مجازات قتل برای مرتکب زنا با محارم ناشی از نسب نامشروع است و دیگری موافق اجرای حدّ قتل در این نوع از زنا می‌باشد. هر دو دیدگاه به خاطر عدم وجود نص صریح آیات قرآن و روایات معصومین (ع) برای یافتن پاسخ مجبور به استفاده از اصول عملیه و اصول حقوقی شده‌اند. همین موضوع موجب خواهد شد نتوان یک راهکار صریح و شفاف در این خصوص اتخاذ نمود.

### ادله مخالف اجرای حدّ اعدام

ابتدا به بررسی ادله مخالف اجرای حدّ قتل در زنا با محارم به نسب نامشروع پرداخته می‌شود. برای تشریح بهتر مطلب، می‌توان این دلایل را به دو دسته ادله فقهی و ادله حقوقی تقسیم نمود. ادله فقهی، بدین شرح می‌باشد:

۱. **قاعده «دراء»:** منظور از این قاعده آن است که هر گاه مرتکب زنا، از روی اشتباه نسبت به حکم و یا موضوع، این عمل را انجام داده باشد، این شبهه موجب دفع حدّ و مجازات از او می‌شود، مبنای این اصل قول پیامبر (ص) است که فرمودند: «الحدود تدرء بالشبهات». (عوده، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۸۶) این قاعده را می‌توان در مورد شبهه زنا با محارمی که از راه نسب نامشروع به یکدیگر مرتبط شده‌اند نیز جاری دانست، زیرا این شبهه ایجاد می‌شود که چون این افراد در مسائلی چون ارث و.. به والدین خود ملحق نمی‌شود، در مسئله نسب نیز به آن‌ها ملحق نشده و زنا با آن‌ها مشمول عنوان زنا با محارم نخواهد بود. باید بیان داشت که با توجه به قاعده دراء، حدود با کمترین شبهه دفع می‌شوند و بنابراین اعمال قاعده درء امکان اجرای حدّ قتل و مجازات اعدام در مورد چنین فردی را منتفی می‌کند.

۲. «احتیاط در دماء»<sup>۱</sup> و «اصل برائت»<sup>۲</sup>: دماء به معنای خون است و منظور از آن این است که

---

1. Living Precaution  
2. Exculpation Principle

در مواردی که احکام با جان افراد ارتباط مستقیم دارند، احتیاط واجب است و باید به قدر متیقن قضیه بسنده نمود. (زراعت، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸) قدر متیقن زنا با محارم این است که فقط شامل محارم ناشی از نسب مشروع باشد زیرا زمانی که از نسب سخن به میان می‌آید، آن چه به ذهن عقلائی جامعه متبادر می‌شود، نسب صحیح می‌باشد. بنابراین احتیاط در دماء اقتضاء می‌کند که مجازات اعدام را در خصوص افرادی اجراء نمود که حرمت میان آنها از نسب مشروع مانند نکاح ناشی شده باشد. در این زمینه عده ای از فقها عقیده به عدم امکان اجرای حد قتل دارند و علت آن را اصل براءة و همچنین عدم الحاق افراد با نسب نامشروع به یکدیگر بیان کرده‌اند. منظور از اصل براءة آن است که هرگاه در مورد تکلیف واقعی، از جهت حرمت و یا وجوب، تردید حاصل شود، اعم از این که شبهه حکمی یا موضوعیه سبب آن باشد، اصل بر براءة (آزادی) فرد است. در «جواهرالکلام» در این مورد این چنین آمده است: «گاهی گفته می‌شود که حکم به قتل مختص نسب شرعی است و در خصوص محرمیت ناشی از زنا جاری نیست، به دلیل اصل براءة و غیر آن، ولی نصی در این خصوص نیست.» (نجفی، ۱۳۷۶، ج ۴۱، ص ۳۱۳) همچنین در «تحریرالوسیله» در مورد الحاق مادر و دختر و مانند آنها که ناشی از زنا باشد به نسب شرعی تردید شده که پایه آن اصل براءة است. (خمینی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۶۶۲). لذا همان طور که بیان شد، عدم الحاق افراد به نسب نامشروع به یکدیگر سبب می‌شود که احکام کیفری در خصوص آنها جاری نشده و فقط تکالیف مدنی مانند نفقه قابلیت اجراء داشته باشد. در واقع می‌توان بیان داشت، در نظام حقوقی ایران و همچنین قواعد اسلام هیچ رابطهای بین پدر و مادر با طفل نامشروع وجود ندارد. با پذیرش این نظر که تکالیف کیفری شامل نسب نامشروع نخواهند بود، باید این موارد را نیز پذیرفت که اگر شخصی فرزند زنازاده خود را بکشد، قصاص شود یا اگر زنا بین محارم نسبی و فرزند نامشروع صورت بگیرد، چون آنها در ارتباط با یکدیگر از محارم نسبی محسوب نمی‌شوند و فقط پدر و مادر طبیعی زنازاده تلقی می‌شوند، حد قتل از آنها برداشته خواهد شد. نظر صاحب خلاف نیز بر این عقیده استوار است که حد قتل مختص محارم نسبی خواهد بود و حکم قتل اختصاص به محارمی دارد که از راه حلال ایجاد شده باشد. اگر از راه حرام همچون زنا ایجاد شده باشد مشمول مقررات زنا با محارم نخواهد بود. (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۴۰، ص ۸۶) هر چند شیخ علت

حکم خود را بیان ننموده اما می‌توان بر این نظر بود که شیخ بر اساس اصل براءت و احتیاط در دماء قائل بر این موضوع بوده است.

ادله حقوقی مخالف اجرای قتل در زنا با محارم ناشی از نسب نامشروع عبارتند از:

۱. «تفسیر مضیق قوانین به نفع متهم»: زمانی که شک در موضوعی حادث می‌شود مانند آن که شک شود آیا نسب نامشروع نیز مانند نسب مشروع موجب اعدام شخص می‌شود یا خیر، باید مراحل تفسیر قانون به ترتیب طی شود. اولین مرحله تفسیر قانون یافتن مقصود و هدف قانونگذار از وضع ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی است. اما با تدقین در ماده مذکور نمی‌توان به راحتی هدف قانونگذار از وضع این ماده را مشخص و روشن نمود، بنابراین به مرحله بعدی تفسیر که تفسیر مضیق و محدود قانون به نفع متهم است خواهیم رفت. در این مرحله باید نص قوانین کیفری را به نحوی تفسیر نمود که مبدا حقی از متهم ضایع شود. با این سخن، باید اطلاق ماده را به این صورت تفسیر کرد که فقط بر نسب مشروع دلالت نماید، زیرا زمانی که قانونگذار در مقام بیان بوده و در این حالت موضوع خاصی چون محرمیت ناشی از نسب نامشروع را اشاره نکرده است، نشان‌دهنده خروج آن موضوع از مقصد و منظور وی می‌باشد.

۲. «آموزه‌های جرم‌شناسی»<sup>۱</sup>: امروزه آموزش‌های جرم‌شناختی از تاثیرگذارای بالای بر سیاست جنایی کشورها برخوردارند، و روزه روز سیستم‌های عدالت کیفری به سمت اندیشه‌های مقابله‌کننده با جرم جذب می‌شوند و هر کدام راهکاری برای مقابله با جرم اتخاذ می‌نمایند. بعضی از آموزه‌های جرم‌شناسی بر تقویت عدم امکان اجرای ماده ۲۲۴ ق.م.ا نسبت به منسویین به نسب نامشروع دلالت دارند. واضعان مکتب واکنش اجتماعی<sup>۲</sup> که جرم را از منظر متولیان مبارزه با جرم و کنترل‌کنندگان جرم می‌نگرند عقیده دارند که دایره گستردگی مجازات‌ها باید محدود شود، زیرا این مجازات‌ها هستند که سبب بروز جرم می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

---

1. Courses Criminology  
2. Social reaction

همچنین دارا شدن هویت مجرمانه که ناشی از الصاق برچسب مجرمانه به شخص است، سبب جامعه‌ستیزی فرد در آینده می‌شود و فرد مذکور به یک شخص ضد اجتماع<sup>۱</sup> تبدیل می‌شود.<sup>۲</sup> بنابراین دیدگاه مطروحه، سیستم عدالت کیفری باید به سمت کاهش توسعه مصادیق کیفری حرکت نماید، و سعی در جلوگیری از اجرای مجازات افراد به عناوین مختلف کیفری شود؛ بنابراین، با پذیرش این نظر باید قائل به این مسئله شد که اجرای حد قتل در زنا با محارم ناشی از نسب نامشروع، سبب گسترش جرم شده و به نوعی تورم قوانین را موجب می‌شود، لذا می‌بایست مصادیق جرم زنا با محارم را محدود به محارم نسبی ناشی از نسب مشروع نمود تا در این صورت از اثرات مخرب اجرای مجازات‌ها کاسته شود. ذکر این توضیح لازم است که رویه قضایی، که مکمل قانون و پرکننده خلاءهای موجود در آن است، در این زمینه ساکت می‌باشد و علت این سکوت می‌تواند ریشه در ویژگی خاص جرایم منافی عفت داشته باشد، که هدف شارع و به تبع آن قانونگذار بر پوشاندن و پنهان کردن آن است. به عنوان نمونه در استفتائی که از حضرت امام خمینی (ره) صورت گرفت چنین سؤال گردید که آیا مرتکب جرم حدی باید خود را به دادگاه معرفی نماید یا آن را مخفی کند؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «لازم نیست، بلکه در بعضی موارد جایز نیست.» (ره توشه قضایی، ۱۳۹۰، ص ۴۵) که نشان می‌دهد روح حاکم بر قوانین اسلام و به تبع آن حقوق موضوعه ایران<sup>۳</sup>، علنی نکردن گناهان و جرایم برای جلوگیری از ریزش قبح و شیوع آن در جامعه است.

#### 1. Anti-Social

۲. فرانک تانن بام (Frank Tannenbaum) در کتاب "جرم و اجتماع" که در سال ۱۹۳۸ میلادی منتشر شد، معتقد به آن بود که، به دلیل عدم گذشت جامعه نسبت به انحرافات جزئی موجب می‌شود، به تدریج فرد متهم در میان جامعه خود برچسب مجرمانه بخورد و ممکن است مسیر زندگی وی کاملاً متفاوت شود و حتی تا آخر عمر در دنیای بزهکاری بماند. بعد از تانن بام، در سال ۱۹۶۳ میلادی هاوارد بکر (Howard Becker) استاد دانشگاه شیکاگو آمریکا، تئوری برچسب زنی را به صورت کامل ارائه نمود. (رضوی اصل، ۱۳۹۵، ص ۶۲)
۳. به عنوان نمونه تبصره ۴ ماده ۶۶ و ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری جدید

## ادله موافق اجرای حد قتل

ادله موافق اجرای حد قتل در زنا با محارم به نسب نامشروع راه را برای اجرای حد قتل در خصوص اشخاص زناکار، باز می‌دارد. این دلایل به شرح ذیل می‌باشند:

۱. «**ضرورت حفظ نسب**»<sup>۱</sup>: همان طور که پیش‌تر نیز بیان شد، هدف شریعت از جرم‌انگاری زنا با محارم و مجازات در نظر گرفته برای آن، حفظ نسب است. از لحاظ عقلی برای دستیابی به این هدف، می‌بایست نسب نامشروع را نیز به محارم نسبی ملحق نمود و همان مجازات قتل زانی و زانیه را در زنا با محارم ناشی از نسب نامشروع اعمال نمود و چه بسا در این مورد اهمیت بیشتری نیز داشته باشد و اگر چنین نشود کیان خانواده رو به زوال می‌رود. به عنوان مثال، اگر دختری که از زنا به وجود آمده است با پدر خود مرتکب زنا شود و بچه‌ای از این عمل آن‌ها حاصل شود، نسبت میان آن‌ها به این صورت می‌شود که مادر طفل، خواهر او نیز هست و پدر کودک، پدر بزرگ او نیز می‌باشد و این شرم آور است. محقق خوئی در تأیید ضرورت حفظ نسب بیان داشته که «البته این ادعا که محرم شامل کسانی نمی‌شود که حرمت ازدواج با آنها به جهت تادیب و تنبیه مقرر شده است، دور از صحت نیست» (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۰) بنابراین تا حد امکان در مواردی که نسب افراد در معرض تهدید قرار می‌گیرد، باید اعمال مجازات نمود، تا نسب از گزند انحراف محفوظ بماند.

۲. «**شمول کلیه احکام کیفری در خصوص شخص متولد از زنا**»: به نظر برخی از فقها، مرتکب زنا با محارم ناشی از نسب نامشروع، مشمول حد قتل قرار می‌گیرد. چون لفظ پدر شامل هر دو قسم پدر مشروع و پدر نامشروع می‌گردد، و همه آثار فقهی و حقوقی میان آن‌ها برقرار می‌شود.<sup>۲</sup> بنابراین در مورد شخص متولد از زنا همانند شخص متولد از نکاح، احکام شرعی و کیفری اجرا می‌گردد. صاحب جواهر (ره) در این خصوص می‌فرماید: «اگر مردی زنا کند و از او طفلی به وجود آید، شرعاً به او منتسب نمی‌گردد و همچنین به مادرش منتسب نخواهد شد تا این

1. Parentage Preservation

۲. (گنجینه استفتائات قضایی، سوال ۵۹۹۵ و ۵۸۵۲)

که سایر احکام بر آنان مترتب گردد، ولی اگر این طفل دختر باشد بر زانی و اگر پسر باشد بر زانیه حرام خواهد بود، زیرا از منی آنها به وجود آمده است و از طرف دیگر این طفل لغوی (طبیعی) آنها نیز می‌باشد.» (نجفی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶)

نظر آیت‌الله گلپایگانی (ره) در این مورد آن است که نسب غیرشرعی را ملحق به نسب شرعی می‌داند و به طور صریح حدّ قتل را در زنا با محارم قابل اجرا می‌داند (گلپایگانی، ۱۴۱۲، ص ۲۶۰). همچنین سایر فقها مانند آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله بجنوردی، و آیت‌الله خویی (ره) قائل به این نظر هستند. (خویی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۶) در هر صورت فتاوی‌ای مذکور خلاف قول مشهور فقهای امامیه بوده و جز در مورد توارث و آثار آن، تفاوتی میان فرزند نامشروع و فرزند مشروع نمی‌باشد. (صفایی، ۱۳۸۷، ص ۲) بنابراین شمول کلیه احکام کیفری بر فرد زناکار با محارم به نسب نامشروع اجراء خواهد شد.

۳. «تمسک به اصله الاطلاق»: می‌توان بیان داشت که با توجه به اطلاق ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی، این ماده شامل نسب نامشروع نیز می‌شود و اصل عملی «اصله الاطلاق» بن مایه این نظر را شکل می‌دهد. مطابق مفاد اصله الاطلاق از آن جا که در بند «الف» ماده ۲۲۴ مذکور، تردید وجود دارد که مراد قانونگذار از زنا با محارم نسبی، مطلق زنا با محارم نسبی بوده یا اختصاص به زنا با محارم ناشی از نسب مشروع دارد. از آنجا که قیدی در این زمینه وارد نشده است، لذا با تمسک به اصله الاطلاق و این که اگر منظور قانونگذار مقید به قیدی می‌بود، می‌بایست در مقام بیان ذکر می‌نمود، چنین نتیجه گرفته می‌شود که ماده مذکور در خصوص زنا با محارم به صورت مطلق بوده و شامل زنا با محارم نسبی ناشی از نسب نامشروع نیز می‌شود. همان طور که مشاهده شد، استفاده از اصل عملی اصله الاطلاق در ادله مخالف اجراء حدّ قتل نیز مورد استفاده و استناد واقع شده است. علت این موضوع آن است که در صورت ابهام و کلی بودن قانون، این سیاست جنایی آن کشور است که اقدام به تفسیر قانون نموده و دست به انتخاب می‌زند که آیا با تفسیر موسّع خود از رویکرد جرم‌انگارانه نسبت به افعال افراد استفاده کند و یا با استفاده از تفسیر مضیق به سمت جرم‌زدایی از اعمال افراد حرکت نماید. بدین صورت می‌توان از اصولی همچون اصل اطلاق، استفاده دو سوی کرد.

۴. «آموزه های جرم‌شناسی<sup>۱</sup>»: از جمله نظریه‌هایی که در علم جرم‌شناسی طرح شده است، نظریه نفی مدارا یا تسامح صفر<sup>۲</sup> است. این نظریه بر این سیاست است که جرم از بی‌نظمی بوجود نمی‌آید، بلکه از تسامح و تساهل نسبت به انحرافات کوچک به وجود می‌آید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹، ص ۱۸)، بنابراین دستگاه عدالت کیفری باید به شدت با جرایم، هر چند خرد، برخورد کند تا از ارتکاب جرایم در آینده پیشگیری نماید و از روی آوردن افراد به جرم به دلیل ناکارآمدی دستگاه قضایی در سزادهی مجرمان جلوگیری به عمل آید. پذیرش این رویکرد در سیاست جنایی یک کشور، سبب می‌شود که در موارد وقوع تردید و شبهه، مانند مورد امکان یا عدم امکان اجرای حدّ قتل در زنای با محارم دارای نسب نامشروع، تفسیر موسّع صورت گرفته و چتر کیفری بیش از پیش باز شود و موارد بیشتری را شامل یک عنوان کیفری نماید که در این صورت باید موافق اجراء حد قتل شد. ناگفته نماند که این موضوع خود دارایی مزایا و معایبی است، که در مجال این نوشتار نیست.

۵. «ضرورت ارباب افراد از ارتکاب جرم با اجرای حدود و مجازات‌ها»: یکی دیگر از عواملی که سبب می‌شود در خصوص این گونه از زنا حکم به اجرای مجازات حدّ قتل داد، خاصیت ارباب و بازدارندگی حدود و مجازات‌ها است که در پیشگیری به مفهوم عام خود مؤثر می‌باشد و شامل هر اقدامی می‌شود که در زمینه مبارزه با بزه‌کاری، حتی پاسخ‌های کیفری و جبران خسارات بزه‌دیدگان اجراء می‌گردد. (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۸) بنابراین برای ترساندن مجرمین می‌توان به اجرای حدود و مجازات اشخاص زناکار پرداخت و با جاری ساختن حدّ قتل در مورد افرادی که مرتکب زنای با محارم، ناشی از نسب نامشروع شده‌اند، جلوی ارتکاب این عمل شنیع و شیوع آن در میان افراد جامعه را گرفت و مانع گذار افراد از مرحله اندیشه مجرمانه به عمل شد. واضعان مکتب دفاع اجتماعی<sup>۳</sup> بر خاصیت ارباب مجازات‌ها در دفاع از جامعه در برابر جرم

---

1. Criminology's Opinions  
2. Zero Tolerance  
3. Social Defence

تاکید ویژه ای دارند، و با این رویکرد نباید در مقابل اشخاص زنا کار از مجازات شانه خالی کرد، و باید چنین افرادی به سزای عملشان به نحوه اشد برسند.

### نتیجه

از مجموع آن چه که گفته شد می توان چنین نتیجه گرفت که فقدان نص صریح در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) در مسئله زنا با محارم نسبی ناشی از نسب نامشروع، موجب بروز اختلافات نظر در میان فقها شده است و این اختلافات به قانون مجازات اسلامی نیز راه یافته و قانونگذار با بکار بردن عبارت های کلی، از کنار این موضوع عبور کرده و آن را به رویه قضایی واگذار نموده است. رویه قضایی نیز به خاطر حساسیت این جرم در جامعه، نتوانسته اقدام شایسته ای را در این خصوص انجام دهد. از این رو، برای رفع بلا تکلیفی در این زمینه باید به فتاوی علماء و نظرات دکترین حقوقی مراجعه کرد، اما اختلاف نظرات موجود در این زمینه، کار را بیش از پیش دشوار ساخته است. از طرفی ادله های وجود دارند که با توسل به آنها، می توان عقیده داشت که اجرای حد قتل در این مورد امکان ندارد و در طرف دیگر، ادله های نیز وجود دارند که با تمسک به آنها، می توان موافق اجرای حد قتل شد و حکم به قتل زانی و زانیه در زنا با محارم نسبی ناشی از نسب نامشروع داد. گزینش هر کدام از این دو نظر به سیاست جنایی دستگاه قضایی کشور و نوع تفسیر مواد قانونی بر می گردد. اما با بررسی دقیق ادله موافق و مخالف و توجه به اهداف تشریح احکام در اسلام به خصوص در حدود، و همچنین ادله ای مانند قاعده درء و ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی، به نظر می رسد حکم به عدم اجرای حد قتل (اعدام) در زنا با محارم شامل زنا با محارم ناشی از نسب نامشروع داد. در نتیجه به نظر میرسد پذیرش نظر مخالف اجرای حد قتل با موازین حقوقی سیستم قضایی ایران تطابق بیشتری خواهد داشت. شایسته است که قانونگذار با اتخاذ رویکرد صریح، اختلافات را در این حوزه پایان بخشد، و با اصلاح قانون به این تشدد آراء پایان دهد.

## منابع و مأخذ

۱. ابراهیم نژاد، محمد رضا (تابستان ۱۳۸۷)، فلسفه پوشش و عفاف در فرهنگ اسلامی، فصلنامه خط اول، سال ۲، شماره ۵.
۲. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱)، جرم‌شناسی پیشگیری، نشر بنیاد حقوقی میزان، تهران.
۳. آقایبی، محمدعلی (۱۳۸۰)، قاعده دراء و اصل برائت: مجرای شمول، اشتراک یا افتراق، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰.
۴. ایزدی‌فرد، علی‌اکبر و مریم مهاجرانی (پاییز ۱۳۹۱)، رویکرد فقهی و حقوقی پیرامون وضعیت اطفال طبیعی، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۸، شماره ۲۹.
۵. حرّعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۳ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دارالحياء نشر التراث العربی، بیروت.
۶. خمینی، روح الله (۱۴۲۰ق)، تحریر الوسیله، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، مبانی تکمله المنهاج، نشر دارالزهراء، بیروت.
۸. رضوی اصل، سید محمد جعفر، (۱۳۹۵)، پیشگیری وضعی در قوانین آیین دادرسی جرایم رایانه ای و دادرسی الکترونیکی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم.
۹. ره‌توشه قضایی (۱۳۹۰)، موسسه آموزش و پژوهش قضا، مجموعه استفتائات از امام خمینی (ره).
۱۰. زراعت، عباس (۱۳۹۴)، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، حدود (جرایم منافی عفت)، نشر جاودانه، تهران.
۱۱. سوادکوهی، سام و سید علی کاظمی (پاییز ۱۳۸۸)، مسئولیت کیفری تدریجی دختران، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۲.
۱۲. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی (۱۳۸۴-۱۳۸۹)، نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری.

۱۳. شهیدثانی، زین‌الدین (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیه فی شرح المعه الدمشقیه، نشر داوری، قم.
۱۴. صدوق، شیخ ابوجعفر (۱۴۱۰ق)، من لایحضره الفقیه، نشر دارالکتب السلامیه، قم.
۱۵. صفائی، حسین و اسدالله امامی (۱۳۷۸)، مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، تهران.
۱۶. صفائی، سیدحسین (پاییز ۱۳۸۷)، آثار نسب نامشروع و رای وحدت رویه مورخ ۱۳۷۶/۴/۳، مجله پژوهشهای اسلامی، سال ۲، شماره ۳.
۱۷. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق)، الخلاف، گردآوری شده در سلسله‌الینابیع الفقهیه، موسسه فقه الشیعیه، چاپ اول، قم.
۱۸. عوده، عبدالقادر (۱۳۷۹)، حقوق جنایی اسلام بر اساس مذاهب پنجگانه با تعلیقات مرحوم سید اسماعیل صدر، ترجمه اکبر غفوری، انتشارات بنیاد پژوهشهای استان قدس رضوی، مشهد.
۱۹. قافی، حسین و سعید شریعتی (۱۳۹۰)، اصول فقه کاربردی، انتشارات سمت، تهران.
۲۰. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۲ق)، الدر المنصود فی احکام الحدود، نشر دارالقران الکریم، قم.
۲۱. محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ق)، شرائع السلام فی مسائل الحلال و الحرام، نشر استقلال، تهران.
۲۲. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۲)، مباحثی از اصول فقه، مرکز نشر اسلامی، تهران.
۲۳. مقصودی، منیژه (۱۳۸۶)، انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی، نشر شیرازه، تهران.
۲۴. مکی عاملی، البوعبدالله محمد (۱۳۷۶)، شهید اول، القواعد و الفوائد فی الفقه و الصول العربیه، نشر مکتبه المفید بی تا، قم.
۲۵. نجفی، محمدحسن (۱۳۷۶)، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۹)، تقریرات درس جرم‌شناسی دوره دکتری، گردآوری مجتبی جعفری، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۷. نوربها، رضا (۱۳۸۹)، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، تهران.